

# قرآن کتاب عمل

با تأخیری نه چندان شایسته، در ماه نزول قرآن، شماره‌ی سی‌ام فصلنامه‌ی بیّنات تقدیم علاقه‌مندان می‌شود. ماهی که نام و یاد آن، همواره قرین و همراه نام و یاد قرآن گرامی است. ماهی که شاید بیش از تمامی سال مسلمانان در آن قرآن تلاوت می‌کنند و یا به آوای ملکوتی آن گوش جان می‌سپارند.

در شبی از این ماه که از هزار ماه بالاتر و پرخیر و برکت‌تر است. قرآن بر قلب مبارک پیامبر اکرم ﷺ نازل گردید. شبی که در آن ملائکه‌ی الهی و روح نازل می‌شوند.

ماه رمضان، ماه قرآن است و همواره نام آن در منظر شیعیان همراه با یاد امام ناطق امیرمؤمنان (علیه السلام) قرین و همراه می‌باشد. ماهی که در سحری از آن، با شمشیر کینه‌ی خوارج فرق مبارک مولا شکافته شد، و صدای تلاوت قرآن علی (علیه السلام) برای همیشه خاموش گردید؛ و بزرگ‌ترین همراه و همراز پیامبر ﷺ در دوران سخت رسالت قرآنی‌اش، به شهادت رسید و کشته‌ی عدالت سربربالین خاک نهاد، و جهانیان را به انتظار عدالت علوی خویش نشانند.

همو که در یکی از خطبه‌های خویش فرمود: هذا القرآن انما هو خط مستور بین الدفتین، لا ینطق بلسان ولا ید له من ترجمان. وانما ینطق عنه الرجال... فاذا حکم بالصدف فی کتاب الله فنحن احق الناس به، وان حکم بسنة رسول الله ﷺ فنحن اولاهم به! قرآن خطی نوشته شده میان دو جلد است که به زبان سخن نمی‌گوید، و ناگزیر تفسیر کننده می‌خواهد. و مردان از آن سخن می‌گویند... پس اگر صادقانه درباره‌ی کتاب خدا حکم شود، ما شایسته‌ترین مردم به آنیم



و اگر به سنت پیامبر ﷺ داوری گردد، ما سزاوارترین همه ایم به قرآن .  
و نیز در آخرین لحظات زندگی فریاد برآورد: **اللّٰهُ فِي الْقُرْآنِ!** لا يسبقكم بالعمل به غيركم<sup>۲</sup>  
خدا را! خدا را! درباره ی قرآن! مبدا دیگران در عمل کردن به آن [نه در قرائت و حفظ و...]  
بر شما پیشی گیرند.

و نیز امام باقر علیه السلام فرمود: **قال رسول الله ﷺ: يا معاشر قراء القرآن! اتقوا الله - عز وجل - فيما حملكم من كتابه، فإني مسئول وانكم مسئولون، إني مسئول عن تبليغ الرسالة، وإما انتم فتسألون عما حملتم من كتاب الله وسنتي.**<sup>۳</sup>

ای گروه خوانندگان [قاریان] قرآن! خدای بزرگ درباره ی آنچه از کتابش به شما آموخته است بترسید، که هم من مسئولم و هم شما. من برای رساندن پیغام رسالت، و شما درباره ی آنچه از کتاب خدا و سنت آموختید.

با اینکه در جهان کنونی و در طول اعصار همواره مسلمانان را با کتاب عظیم آنان یعنی قرآن می شناسند و نام مسلمانی قرین با نام قرآن گرامی است، لکن سوگمندانه باید اعتراف کرد که آن گونه که شایسته و بایسته ی این کتاب جاودانه است، مسلمانان به آن توجه نکرده و نمی کنند. برخی آن را تنها به عنوان تیمن و تبرک می بوسند و در گوشه ای به احترام می نهند و یا در سفره ی عقد و بر سرمسافری و... قرار می دهند. برخی آن را در مراسم فاتحه و در گوشه قبور می خوانند. برخی آن را با لحن خوش و صوت زیبا تلاوت می کنند و به این وسیله آوازه ای به دست می آورند و نامی و نانی. برخی قدم پیش تر نهاده و به حفظ الفاظ قرآن پرداخته اند و به عنوان حافظ قرآن شهره شده اند. و علاوه بر این به شناخت مفاهیم قرآن نیز پرداخته اند.

لکن گرچه همه ی این امور در جای خود، با تفاوتی که در جایگاه هر کدام محسوس و ملموس است، لازم، مفید، سودمند و گاه مؤثر است و لکن برخی از آنها وسیله ای برای دور ماندن از اهداف این کتاب عظیم است و برخی بیراهه رفتن و گاه راه گم کردن است.

امام خمینی (ه) در کلامی بلند، در باب تفسیر قرآن می فرماید:

به طور کلی معنی تفسیر کتاب آن است که شرح مقاصد آن کتاب را بنماید... این کتاب شریف که به شهادت خدای تعالی کتاب هدایت و تعلیم است و نور طریق سلوک انسانیت است، باید مفسر در هر قصه از قصص آن، بلکه هر آیه از آیات آن، جهت اهتدای به عالم غیب و حیث راه نمایی به طرق سعادت و سلوک طریق معرفت انسانیت را به متعلم بفهماند.<sup>۴</sup>

مع الاسف مسلمانان اهداف کتاب خدا را فراموش کرده اند و به سر و ظاهر آن پرداخته اند همانکه امام علی علیه السلام را به ناله وا می دارد و با قلبی پرانده می فرماید: **وانه سیأتی علیکم من بعدی زمان لیس فیهِ شیءٌ أخفی من الحق ولا أظهر من الباطل...** و لیس عند أهل ذلك الزمان سلعة أبور من الكتاب اذا ثلی حق تلاوته ولا أنفق منه إذا حُرّف عن موضعه.<sup>۵</sup>



پس از من، زمانی بر شما خواهد آمد که هیچ چیز پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل نیست... و در نزد مردمان آن زمان، هیچ کالایی بی خریدارتر از قرآن نیست، هرگاه چنانکه بایسته است تلاوت شود، و رایج‌تر از آن نیست، آنگاه که از جایگاه خود منحرف گردد.

آری گرچه در ظاهر، قرآن در میان مسلمانان حضور دارد و لکن تنها ظاهر این کتاب است نه حقیقت و محتوای آن، که بیانگر هدایت بشریت است. همانکه علی علیه السلام برای آن ضربت خورد و خون مبارکش بر تارک تاریخ فرو ریخت.

همانکه ابوذر را در مقابل حاکمان و غاصبان قرار داد تا قرآن را آن گونه که هست ارائه کنند و بدان عمل کنند. در حالی که در طول تاریخ اسلام، بسیاری از حاکمان، قرآن را دست‌آویزی برای حکومت گرفته بودند و از آن برای مطامع خویش بهره می‌بردند، و اینهمه با نام حمایت از قرآن بود و لکن رفتار و اخلاق قرآنی را به فراموشی سپرده بردند و فرزندان قرآن و ذریه‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در محبس‌ها، به جرم دفاع از قرآن محبوس کرده بودند.

آیا چاپ و نشر قرآن در تیراژ ملیونی و با ظاهری زیبا و آراسته، نشان از جامعه‌ی قرآنی و اسلامی است؟ آیا فقط تربیت ده‌ها قاری و حافظ قرآن نشان از ملت‌ی قرآنی و اسلامی دارد؟ آیا تنها تلاش در جهت پخش تلاوت قرآن، دور افتادن از مفاهیم قرآن و به بی‌راهه رفتن نیست؟ آیا قرآن کتاب مسابقه است یا کتاب عمل است؟

استاد علامه محمد رضا حکیمی در کتاب بی‌نظیر «الحیة» در پایان باب مربوط به قرآن که شامل پنجاه فصل مهم درباره‌ی قرآن است، زیر عنوان «نگاهی به سراسر باب» سخن بلندی آورده‌اند که توجه خوانندگان گرامی را به آن جلب می‌کنیم:

پس شایسته است که ما مسلمانان به قرآن مراجعه کنیم، و در اصول آن به تحقیق پردازیم، و تعلیمات آن را - چنانکه باید - به صورت دقیق بشناسیم، و برنامه‌های آن را عملی سازیم، و راهنمایی‌های آن را منتشر کنیم، و در آن بکوشیم که اوامر و دستورهای آن را با زندگی ظاهری و باطنی و فردی و اجتماعی خویش انطباق دهیم، تا حیات خویش را به صورت حیاتی پاکیزه و آزاد و عزیز و عالی درآوریم، تا ما را به حق و عدالت و آزادی و بزرگواری و آقایی و پیشرفت رهبری کند. از این راه امکان آن هست که به همه‌ی بشریت خدمت کنیم، و رسالت الهی را در همه جای زمین گسترش دهیم، چنانکه در صدر نخستین تاریخ اسلامی ما چنین بود، و در آن زمان اصول اسلامی خاستگاه تحولاتی شد که نظیری در تاریخ نداشته است.

در اینجا فاجعه‌ای بزرگ روی می‌دهد که نباید مسلمانان، مخصوصاً اندیشمندان و مبلغان اسلام، آن را فراموش کنند. و این فاجعه و مصیبت در راهی است که دشمنان قرآن در پیش گرفته‌اند، همچنین کسانی که از نفوذ اصول اجتماعی، و مبادی سیاسی، و دستورهای حقوقی، و نمونه‌های



اخلاقی، و بخش های مترقی فرهنگی، و شالوده های اصلاحی، و نظام های مترقی آن که با هرستم و تجاوز و جنایت و اختلاس مخالف است بیمنّا کند. این فاجعه از آنجا پیدا شد که شیاطین شر و فساد - پس از آنکه دیدند توان ضدیت آشکار با کتاب الهی را ندارند - به ضدیت پنهان با آن پرداختند، که زیانش بیشتر و سرانجامش بدتر است. و بیش از ضدیت های آشکار که در اغلب اوقات غیر ممکن است، مسلمانان را به انحطاط و سستی و بی عملی می کشاند. و این بدان گونه صورت گرفت که در برپاداشتن ظواهر و ادای حروف قرآن کوشیدند، و در عوض، حدود و احکام آن را تباه کردند و تغییر دادند، و تعالیم آن را دگرگون ساختند، و راهبری های آن را کشتند، و قرآن را به صورتی تفسیر کردند که با امیال فاسد خودشان سازگار بود، و طرز تلقی تربیتی قاطع آن را ناهنجار نشان دادند، و مشعل های اصلاحی آن را خاموش و بانگ آزادی آن را خفه کردند. پس بر اجتماعات اسلامی واجب است که در مقابل این فاجعه ی بزرگ بیدار و آگاه باشند.

دسیسه ی دیگری نیز برای فراموش ساختن حقایق قرآن و کوییدن هدف های آن در کار است. و آن جلب توجه مردم به الفاظ و قرائت های قرآن و مسائل ادبی آن است نه چیز دیگر، تا افکار متوجه عملی ساختن آموزشها و راهنمایی های آن نشود، و به استوارسازی اصول و نشر جهت بخشی های آن نپردازد.

پس قرآن کریم، به عنوان راهنما و مصلح، و به صورت یک جهان بینی و نظام اندیشه ای زنده و سازنده، در گرو عمل کردن به آن و بکار بستن دستورات آن است. نیز رسالت تاریخی و ایدئولوژیک آن، در میدان های زندگی بشری، با خواندن و چاپ و انتشار و تذهیب و تبرک جستن به آن تحقق پیدا نمی کند، بلکه تحقق آن با مراجعه به اصول و مبادی و تعلیمات قرآن و تطبیق عملی و فکری آن امکان پذیر است.<sup>۶</sup>

۱. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۲۵.

۲. همان، نامه ی ۴۷.

۳. محمد رضا حکیمی، الحیة، مترجم، ۱۲۴/۲، ح ۶.

۴. امام خمینی (ره)، آداب الصلاة / ۱۹۲.

۵. نهج البلاغه، خطبه ی ۱۴۷.

۶. الحیة، ۲ / ۲۹۷-۲۹۸.

